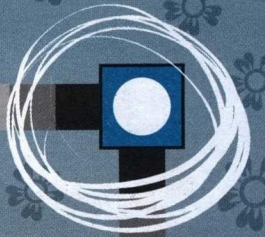


۲
میراث

نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

دوشنبه ۱۳ شهریورماه ۱۳۸۵





عروسک‌ها جذابیتی ذاتی دارند، هیچ چیز شگفتی در حرکت یا گفتار یک بازیگر زنده وجود ندارد ولی وقتی این سرهای چوبی چنین کله‌هایی می‌کنند، شگفتی بی‌پایانی می‌سازند. آن‌ها می‌توانند به گونه‌ای هستی یابند که بازیگران زنده را نابود سازند. وقتی من برای اولین بار در دوران کودکی آن‌ها را دیدم، هیچ چیز بیشتر از لحظه‌ای مرا خوشحال نکرد که همه عروسک‌ها در بالونی بالا رفتند و ناگهان با ضربه‌ای ترسناک از آسمان بر روی زمین افتادند.

«جورج برنارد شو»

امروز چه می‌بینید؟

تالار اصلی ۲۰/۳۰ و ۱۸/۳۰: مسخ (کزریستف راثو)
تالار چهار سو ۱۹/۳۰ و ۱۷: گلی گلی جون (عادل بزوده)
تالار قشقایی ۱۸/۳۰ و ۱۶/۳۰: مرگ مبارک (حامد ذبیحی)
تالار سایه ۱۹ و ۱۶: عنکبوت پروانه‌ای (افشین قاسمی)
تالار کوچک ۱۹/۳۰ و ۱۸: مالیخولیای گذر زمان (خوزه لوئیس ناوارو)
تالار نو ۱۸: انتظار در کافه پارکر (حسین زینالی و مرتضی سعیدیان)
تالار هنر ۱۹ و ۱۷: هفتاد (مریم ضیائی)

مرکز تولید تئاتر عروسکی کانون ۱۹/۳۰ و ۱۷: لباس فروری (مهدیه‌آخوان نیک)
تالار فردوسی ۲۰: اپرای عروسکی رستم و سهراب (بهرز غریب‌پور)
تالار مولوی ۱۸/۳۰: مثل‌های عروسکی (فرناز بهزادی)
فرهنگسرای اشراق ۱۰ صبح: پهلوان کچل (فهیمه میرزاحسینی)
فرهنگسرای بهمن ۱۷: دیو و کچلک (سعید باغبانی)
فرهنگسرای ابن سینا ۱۷: عاشق شدن به فصل سرما (محمد تقی اسماعیلی)
نمایش‌های خیابانی
تئاتر شهر ۱۷: لنگ‌درازا (محسن پور)

قاسمی)
تئاتر شهر ۱۹: رقص چوب (مهدی آشناس و مهدی یوسفی)
تئاتر شهر ۲۰: لطفاً پنهان شوید (رجبعلی فلاح)
فرهنگسرای اندیشه ۱۸: کیسه جادو (مهدی اسماعیلی)
فرهنگسرای بانو ۱۹: نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه (بهناز مهدیخواه)
فرهنگسرای فدک ۱۸: خواننده اپرا (علیرضا ناصحی)
فرهنگسرای بهمن ۱۸: ارابه نمایش‌های ایرانی (ابوالفضل ورمزبار)
فرهنگسرای جوان ۱۸: این عروسک مال کیه (ایرج کله‌چاهی‌اصل)

همه خارجی‌ها آمدند

تمام گروه‌های خارجی شرکت کننده در جشنواره تئاتر عروسکی وارد تهران شدند، اعضای تمام گروه‌های خارجی، شامگاه نخستین روز جشنواره به تهران آمدند و در هتل اقامت خود - هتل فردوسی - مستقر شدند. گروه نمایش خیابانی «مزرعه حیوانات» از لهستان، اولین گروهی بود که دو تن از اعضای آن روز یازدهم شهریور وارد تهران شدند. این دو نفر برای آماده کردن دکور و تجهیزات اجرای خود، یک روز قبل از شروع جشنواره وارد تهران شدند. دومین گروه خارجی که اولین روز جشنواره وارد تهران شد، گروه نمایش «مالیخولیای گذر زمان» از کشور اسپانیا است.

جشنواره تئاتر عروسکی،

جشنواره‌های خانوادگی

در مواقع عادی کمتر پیش می‌آید که بچه‌ها به تئاتر شهر بیایند، اما جشنواره تئاتر عروسکی، فرصت خوبی است برای حضور بچه‌ها به طوری که عصر دیروز کودکان بسیار زیادی همراه با خانواده‌هایشان به دیدن نمایش‌های اولین روز جشنواره آمدند. نمایش‌های خیابانی جشنواره مورد استقبال گرم بچه‌ها قرار گرفتند. نه تنها تماشاگران عادی که هنرمندان و مسؤولان تئاتری هم کودکان خود را به دیدن نمایش‌ها آورده‌بودند. حسین پارسایی، اردشیر صالح‌پور، محمود فرهنگ، مهرداد رایانی مخصوص و ... مسؤولانی بودند که کودکان خود را به دیدن نمایش‌ها آورده بودند.

دو نمایش «پهلوان کچل» و «دیو و کچلک»، نمایش‌هایی بودند که مورد استقبال تماشاگران کودک قرار گرفتند

غرفه کمک به کودکان

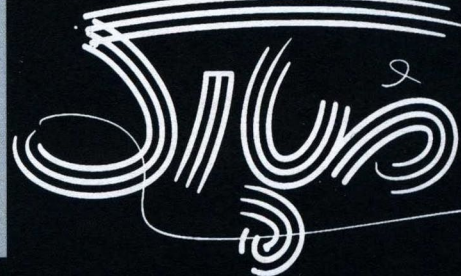
سرطانی در جشنواره

غرفه کمک به کودکان سرطانی در بازار چه کتاب و عروسک جشنواره راه اندازی شده است. این غرفه در کنار غرفه‌های فروش عروسک یکی از ۲۰ غرفه بازارچه کتاب و عروسک جشنواره است که توسط انجمن حمایت از کودکان سرطانی، راه‌اندازی شده است. علاقه‌مندان با کمک به این غرفه هدایایی فرهنگی مانند تقویم و کارت پستال دریافت می‌کنند.

نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

زیر نظر ستاد برگزاری جشنواره
سردبیر: رامتین شهبازی
مدیر هنری: حسین نوروزی
مدیر اجرایی: حمیدهنری
دبیر عکس: رضا معطریان
با همکاری رتوفه رستمی
ترجمه: امیلی امرایی
با سپاس ویژه از اسدالله امرایی

گروه خبر و گزارش: ندا ال طیب، مریم رضازاده
گروه نقد و مقاله: رضا آشفته، امید بی‌نیاز، محمدرضا رستمی، آزاده سهرابی، بهزاد صدیقی و مهدی عزیزی
حروف‌نگار: ابراهیم نجفی
ویراستار و نمونه‌خوان: جواد قاسمی
مدیر فنی و ناظر چاپ: انوشیروان میرزایی
لینوگرافیک ۱۲۸ - تلفن: ۶۶۹۶۴۱۳۰
چاپخانه و صحافی: نخستین - تلفن: ۶۶۷۰۵۴۶۲



عکاسان خوش شانس

عکاسان جزو خوش شانس ترین شرکت کنندگان در جشنواره هستند. ۹ عکاس که در حال حاضر نمایشگاه عکس‌هایشان در سالن انتظار تالار اصلی برپاست، جوایز نفیسی از شرکت نوین تجارت پارسیان دریافت می‌کنند. این شرکت، هدایای نفیسی به تمامی عکاسان جشنواره اهدا می‌کند. علاوه بر این قرار است این عکاسان مورد تقدیر قرار بگیرند. در حال حاضر غرفه‌های این شرکت که در بردارنده تجهیزات فیلمبرداری و عکاسی است، در بازارچه کتاب و عروسک جشنواره برپا است.

اجرای «هدیه جشن سالگرد»

در بلغارستان و فرانسه

همزمان با برپایی جشنواره تئاتر عروسکی تهران - مبارک، در آن سوی آب‌ها و در کشور بلغارستان نیز پانزدهمین سالگرد جشنواره تئاتر عروسکی برگزار می‌شود و نمایش عروسکی و خلاق «هدیه جشن سالگرد» از ایران در آن شرکت می‌کند.

«هدیه جشن سالگرد» نوشته افشین هاشمی باکارگردانی روشک روشن برای چندمین بار در یک جشنواره جهانی و معتبر حضور خود را محک می‌زند.

در اجرای «مالیخولای گذر زمان»

هر سه دقیقه یک تماشاگر به سالن می‌رود «مالیخولای گذر زمان» نوشته و کار خوزه لوئیس ناوارو از کشور اسپانیا در هر سه دقیقه برای یک تماشاگر اجرا می‌شود. این نمایش عروسکی که کوتاه ترین نمایش اجرایی در جشنواره یازدهم محسوب می‌شود، به شیوه‌ای کاملاً متفاوت از سایر کارها روی صحنه می‌رود.

به‌صورتی که گروه سه نفره بازیگران نمایش، در هر سه دقیقه کار خود را برای یک تماشاگر اجرا می‌کنند و در هر سانس از اجرای این اثر تنها ۲۵ نفر امکان دیدن کار را دارند. «مالیخولای گذر زمان» که ویژه گروه سنی بزرگسال است، از روز دوشنبه، سیزدهم شهریور در ساعت‌های ۱۸ و ۱۹/۳۰ در تالار کوچک مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شود و اجرای آن تا روز پایان جشنواره، یعنی روز جمعه هجدهم شهریور ادامه دارد.

کمک هزینه‌های دوم پرداخت می‌شود

کمک‌هزینه دوم گروه‌های شرکت کننده در جشنواره بعد از اجرای نمایش آنها، پرداخت می‌شود. گروه‌هایی که کمک هزینه دوم دریافت می‌کنند، می‌توانند این کمک هزینه را بعد

از اجرای نمایش‌شان در جشنواره دریافت کنند. البته در کنار این گروه‌ها، بعضی از گروه‌های جشنواره، کمک هزینه دوم خود را دریافت کرده‌اند. البته نباید فراموش کرد امسال گروه‌های شرکت کننده در جشنواره، کمک هزینه‌های اول خود را در حین تمرینات دریافت کردند که مبلغ آن نسبت به دوره‌های گذشته تا حدودی افزایش داشت.

گلی گلی جون بدون فیلم اجرا شد

نمایش «گلی گلی جون» به نویسندگی و کارگردانی عادل بزوده بدون فیلم کوتاه خود اجرا شد.

عادل بزوده قصد داشت ۲ قطعه فیلم کوتاه در ابتدا و انتهای نمایش خود پخش کند اما به دلیل کمبود بودجه نتوانست این دو قطعه فیلم را آماده کند.

بزوده گفت: «شرایط اجرای جشنواره با اجرای عمومی کاملاً متفاوت است به همین دلیل به‌خاطر کمبود بودجه و وقت موفق نشدم این فیلم را بسازم اما اجرای عمومی نمایش حتماً با پخش فیلم همراه خواهد بود.»

قرار است این دو قطعه فیلم کوتاه توسط خود بزوده کارگردانی شود، او معتقد است که پخش این فیلم‌ها به اجرای نمایش کمک زیادی می‌کند.

گزارش نخستین روز از کارگاه «هر شیء یک عروسک است» با حضور «آتیلا پسیانی»

دست‌هایی که عروسک شدند

نخستین جلسه از کارگاه آموزشی «هر شیء عروسک است» صبح دیروز با حضور آتیلا پسیانی برگزار شد.

پسیانی در آغاز این نشست با بررسی تفاوت‌های یک کلاس درس و کارگاه آموزشی، گفت: «برخلاف آنچه شنیدم، اینجا را یک کلاس درس نمی‌دانم، چون معمولاً در کلاس درس همه چیز هدفمند است و استاد از قبل می‌داند که چیزی را باید آموزش دهد، به همین دلیل تمام توجه دانشجو به او معطوف می‌شود، در حالی که در کارگاه آموزشی ما، همه باید به یک اندازه حضور داشته باشند. در واقع هدف ما آزمون و خطایی است که همگی در موردش به یک اندازه آگاهی، جسارت و تجربه داریم و من تنها در برخی از موارد با توجه به تجربه‌های قبلی‌ام مواردی را گوشزد می‌کنم، به همین دلیل هم، همگی ما باید در این کارگاه عمل کننده باشیم و نه سؤال کننده!»

پسیانی در ادامه با توضیح بیشتر موضوع کارگاه، گفت: «شاید خیلی از چیزهایی که ما طی این چند روز تمرین می‌کنیم و می‌بینیم با آنچه که همواره در باره تئاتر عروسکی دیده، شنیده و آموخته‌ایم تفاوت داشته باشد، چون قصد داریم تا در این دوره کوتاه یک کار نسبتاً متفاوت انجام دهیم.»

کارگاه آموزشی «هر شیء عروسک است» که قبلاً با عنوان «بازی

بالشیا» معرفی شده بود، با حضور دانشجویان مختلفی از گرایش‌های ادبیات نمایشی، طراحی صنعتی، عروسکی، تربیت بدنی و ... و از شهرهایی چون قم، یوشهر، تهران و ... برپا شد.

پسیانی گفت: «اگر ما به‌عنوان مخاطبان، عکس‌العمل را از عروسک‌گردان دریافت کنیم، با اولین نقطه ضعف در کار عروسکی مواجه شده ایم، زیرا که عروسک‌گردان در این حالت موفق به حذف خودش نشده است و تمرکز کاملی بر عروسک ندارد.»



یکی از ویژگی‌های بارز جشنواره یازدهم، شورایی شدن امور و تقسیم کارهای اجرایی بین نیروهای باسابقه و حرفه‌ای تئاتر عروسکی در بخش‌های مختلف بوده. در آستانه برگزاری جشنواره این روند را چطور بررسی کردید؟

طبیعتاً، خواست جامعه عروسکی بر این موضوع بوده، هرچند که آقای پارسیی هم در بدو شروع کار بر این مسأله تأکید داشتند که امسال، کارها به‌صورت شورایی برگزار شود، به‌همین دلیل هم شورای سیاست‌گذاری شکل گرفت که مرکب از آقایان بهروز غریب‌پور، مجید سرسنگی، مرتضی حیدری، خانم هما جدی‌کار، آقای حمید جبلی و من بود. طبیعی است که هرچه ما برای انجام امور به متخصصان مراجعه کنیم، کارهای‌مان بهتر پیش می‌رود و این اتفاق در بخش بازیابی، پژوهش، کارگاه‌ها و... افتاد و در هر حوزه ما از افرادی که سابقه و تجربه آن را داشته‌اند، استفاده کردیم.

این تفکیک شدن مسؤولیت‌ها با توجه به زمان محدود جشنواره یازدهم نیز بازتاب خوبی داشت.

اتفاقاً گاهی انتقاد بر طولانی شدن مراحل بازیابی و بازخوانی در زمان محدود گروه‌ها برای کار بود، در حالی که ما نهایت تلاش را به‌کار بستیم تا با دقت و حساسیت بیشتری کارها انتخاب شود و خوشبختانه رضایت از این نوع انتخاب‌ها خیلی خوب بود.

اشاره به روند بازیابی و بازخوانی شد. امسال معیارهای تیم بازخوان و بازیابی برای انتخاب آثار بر چه اولویت‌هایی متمرکز بود؟

مهمترین مسئله برای گزینش متن، این بود که نمایش باشد. یعنی چیزی که ما متأسفانه به‌دلیل کم دین اجراها، در نوشتن متن با آن مواجه هستیم. از طرف دیگر باید جنس کارهای انتخاب شده، عروسکی باشد و در نهایت به ترکیب نمایشنامه، حضور شخصیت‌ها و عمل آن‌ها و نتیجه‌گیری کار بود.

تعدادی از کارهای دانشجویی، قبلاً در جشنواره عروسکی دانشجویان با حضور مخاطبان خاص محک خورده بود و این بار، این گروه‌ها در جشنواره‌ای گسترده‌تر قرار است با مخاطب عام‌تری سرو و کار پیدا کنند. کارها در این فاصله چه تغییراتی کرده‌اند؟ و آیا اساساً لزومی برای تغییر در کارها مشاهده می‌شود؟

به نظر کارهایی را که در آن جشنواره اجرا شده‌اند، باید در این جشنواره هم دید و مقایسه کرد، چون به اعتقاد من، اکثر کارها شروع و تجربه‌ی جدیدی داشته‌اند و در این پروسه تغییرات زیادی کرده‌اند، چون آنها این بار حس کرده‌اند که در یک جشنواره بین‌المللی و جدی‌تر حضور دارند و لذا حس مسؤولیت خود را برای بهبود بخشیدن به کار بیشتر کرده‌اند.

انتخاب‌ها در بخش بین‌المللی چگونه بود؟

همان معیارهایی که برای انتخاب نمایش‌های ایرانی داشتیم، از جهاتی در مورد کارهای بین‌المللی هم رعایت شد. تعدادی از کارها که به دست‌مان رسیده بود، در شکلی بود که چیز جدیدی را عایدمان نمی‌کرد که ما دنبال آن‌ها نرفتیم. اما آنچه در این حوزه اهمیت داشت، جلوه‌هایی از نمایش عروسکی جدید به همراه فنون جدید کارها بود، البته مجدداً در این بخش هم تنوع برای ما حائز اهمیت بود. به‌همین علت هم کوشش شده تا انواع گونه‌های نمایشی را به لحاظ فن، موضوع و شکل اجرایی داشته باشیم تا بتوانیم به مجموعه‌ای از سلاقی پاسخگو باشیم و خوشبختانه گروه‌های منتخب امسال در تمام این وجوه می‌گنجند. مثلاً امسال یک گروه از هلند در جشنواره عروسکی حضور دارد که بی‌تردید یکی از قوی‌ترین گروه‌های نمایش عروسکی در جهان است، یا کاری از لهستان داریم که فقط با دستمال و پارچه کار می‌کند و همین تنوع باعث می‌شود تا ما بتوانیم دنبال فنون متنوع در نمایش عروسکی باشیم. از طرفی کوشش شده تا در انتخاب نمایش‌های این بخش، کارهای مطرح و امروزی دنیا را پیدا و انتخاب کنیم.

نمایش‌های بین‌المللی به لحاظ گروه‌بندی سنی، چگونه انتخاب شده‌اند؟

تنوع زیاد در کارهای خارجی وجود دارد. یک کار کودک از لهستان داریم و دیگر کارها مخصوص گروه بزرگسال هستند و یک کار خیابانی هم داریم.

در مورد کارهای این بخش هم به لحاظ موضوعی توجه به متن و افسانه‌های هر ملتی شده است؟

خیر. چون هدف ما برای احیای فرهنگ خودمان بوده و تا آنجا که به یاد می‌آورم در میان کارهای این بخش نمایش آیینی - سنتی نداریم.

انتخاب کارگاه‌ها با چه اولویت‌هایی انجام شد، به‌خصوص که در میان افراد اجراکننده کارگاه‌ها افرادی را می‌بینیم که مدت زیادی است به صورت اجرایی در بخش تئاتر عروسکی دیده نمی‌شوند؟

نگاه به حاصل کار، مهم‌تر از هر چیزی در این بخش بود. یعنی نتیجه و خروجی کار برای ما اهمیت داشت، به‌همین علت هم آقای پسپانی را با وجود اینکه به‌عنوان یک کارگردان عروسکی شناخته شده نیست، ولی از موارد استثنایی هستند که کارگاه را موفق اجرا می‌کنند، انتخاب کردیم. به‌خصوص ایشان بینش کارگاه را دارند، چون ما در خیلی از موارد با افرادی مواجه هستیم که سخنرانی می‌کنند و به اسم کارگاه تمام می‌شود، در صورتی که کارگاه باید به مفهوم اصلی آن باشد و حضور فعال شرکت‌کننده‌ها را نیز به‌صورت عملی ببیند، به همین دلیل هم شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها بیشتر از ۲۰ نفر نیستند، چون قصد داریم که این افراد به‌راحتی در کارگاه فعال باشند، به‌همین دلیل از افرادی که در زمینه بده‌پزدازی و خلق موضوعات بده‌پزدانه موفق هستند، استفاده کردیم.

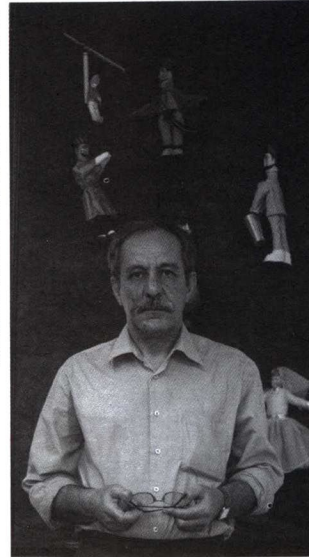
کارگاه گروه‌های بین‌المللی به چه صورتی است؟

گروه‌هایی که در طول جشنواره اجرا دارند، روز بعد از هر اجرا، یک کارگاه برگزار می‌کنند و چند گروه هم به صورت مجزا کارگاه‌هایی را برگزار می‌کنند. مثلاً «روی فراتی» قرار است از برزیل بیاید که او بعد از آگوستو بوآل که واضح تئاتر مردم ستم‌دیده بود، به بخش عروسکی می‌پردازد و وظیفه نمایشگر عروسکی و چگونگی برخورد او را مورد توجه قرار می‌دهد. او یکی از استثناهای دنیا در حوزه نمایش عروسکی اندیشمندانه در نظام فکری تئاتر مردم ستم‌دیده است. ماسیما شوستر، دبیر کل یونیمای جهانی نیز در خصوص نمایش عروسکی جدید ایران جلسه‌ی سخنرانی و پرسش و پاسخ دارند.

گفت‌وگو با
جواد ذوالفقاری
دبیر شورای
سیاست‌گذاری
وقائم مقام
جشنواره

نوآوری و تنوع اولین شرط انتخاب!

«جواد ذوالفقاری» در میان اهالی نمایش عروسکی و به‌خصوص دانشجویان این رشته نام آشنا است و حضور او در مراسم و جشنواره‌های مختلف تئاتر عروسکی نوید دهنده خبرهای جدید و نوآوری‌های یکر است و این بار بعد از چند سال دوری از جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی، در جایگاه دبیر شورای سیاست‌گذاری و قائم مقام جشنواره یازدهم تئاتر عروسکی تهران - مبارک با او به‌گفت‌وگو نشستیم.



شهره روزانه یازدهمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - مبارک

عروسک‌های آیینی ایران

پوپک عظیم پور

عنوان آمده مرکب از سه واژه «عروسک» (های)، «آئین» (ی) و «ایران» است در ذیل آن گستره‌ی آئین و عروسک در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن ایران از قدیم تا جدید قرار می‌گیرد. در طبقه‌بندی آئین‌هایی که عروسک در آنها نقش ایفا می‌کند سه شیوه عمده پیش روست، اول رجوع به آئین‌ها به لحاظ موضوع، دوم بر اساس ادوار تاریخی، و سوم ترکیبی از دو شیوه‌ی موضوعی و تاریخی است... به نظر می‌آید شیوه‌ی سوم علاوه بر اطلاعات علمی، ما را در دست‌یابی به تأویل در باب آئین‌های عروسکی باری می‌رساند. از آنجا که پژوهش در باره‌ی آئین‌های عروسکی ایران بطور منسجم و مداوم تا حدود زیادی تازه و کم‌سابقه است و بررسی موضوعی و تاریخی نیاز به تجربه و زمان دارد، در یادداشت حاضر و با در نظر آمدن فرصت محدود صرفاً به معرفی چهار نمونه از انواع نمایش‌های آئینی عروسکی می‌پردازیم.



عروسک‌های طلب باران

بنا به وضعیت اقلیمی ایران که گرایش به خشکی و کم‌آبی دارد و با حضور میتولوژی غنی در اندیشه‌ی مردم از قدیم تا کنون بر پای آئین طلب باران در هنگام خشک‌سالی و کم‌آبی در هر گوشه و ناحیه از این سرزمین به لحاظ تنوع اقوام، زبان، نژاد، صفات خاص خود را دارا است و پروسه‌ی وقوع آیین‌ها، تنوع و تفاوت‌های فراوانی را در بر می‌گیرد. ولی آیین‌های باران‌خواهی با حضور عروسک‌های باران‌ساز کمابیش با کیفیت مشابهی به اجرا در می‌آیند. این عروسک‌ها دست‌ساخته‌های کودکان معصومی هستند که با ایمانی راسخ در فرایندی میتولوژیک همراه با مویه‌گری جهت بارش باران به در منازل می‌روند، بزرگترها هم به کمک آمده و به گونه‌ای متذکرانه آبی بر سر و صورت عروسک می‌پاشند یا با دادن هدایا کودکان را شاد می‌کنند و پس از به جای آوردن مراسم نماز و دعای همگانی عروسک را در مجاورت آب یا مکان مقدس قرار می‌دهند. سرانجام آیین می‌تواند به دو حالت باشد؛ اول اینکه باران ببارد و مردم به آرزوی دیرینه‌ی خود برسند و یا باران نبارد که در این حالت هم خروج از ایمان در هیچ کس وقوع نمی‌یابد و در باورهای مردم به احتمال بودن گناه در میان آنها نسبت داده می‌شود و یا به امری که فعلاً مستور است.

عروسک‌های تمنای باران دارای الگوی ساده‌ای هستند؛ شامل دو چوب که به شکل چلیپا به هم بسته می‌شوند و لباسی دخترانه

همراه با تزئینات خاص هر منطقه و گاه نیز فقط پارچه‌هایی به آن آویزان می‌شود در مناطق گیلان و آذربایجان برای ساخت عروسک از قاشق‌های چوبی استفاده می‌شود که پوششی زنانه برایش می‌دوزند و به هیئت دختر بچه‌ای تزئین می‌کنند.

عروسک‌های خورشیدخواهی

در مناطقی که بارش باران بیش از اندازه است برای بقای زندگی کشاورزان و دامداران عروسک‌های تمنای آفتاب ساخته می‌شود و همراه با آواز خوانی دسته‌جمعی مراسم طلب آفتاب به اجرا در می‌آید. برخی از عروسک‌های باران‌خواهی همچون «چولی خَزک» در هنگام بارش بیش از حد برای آئین خورشیدخواهی نیز گردانده می‌شود. معروف‌ترین عروسک خورشیدخواهی شمال کشور «کتیره گیشه» به معنای (کتیره = کفگیر و گیشه = عروس) عروس کفگیری است.

عروسک‌های نوپهار خوان

این عروسک‌ها نوید آمدن بهار را سُر می‌دهند. مجریان این گونه‌نمایش یک نفر یا در برخی مناطق دو نفر هستند. عروسک‌های نوپهار خوان اغلب به شکل قوچ، بز و در برخی مناطق به شکل‌های شتر و روباه هم گزارش شده است. اصیل‌ترین شکل عروسک نوپهار خوان در صور نمادین بز یا قوچ تجلی می‌کند که دارای مفاصل متحرک است. عروسک بر روی صفحه‌ای چوبین همراه با آواز عروسک گردان به حرکت در می‌آید و در حال رقص اشعاری را در وصف آمدن بهار سر می‌دهد.

این عروسک در آذربایجان «تکه - Teke» نام دارد. «تکه» به معنی بُز نر است و عروسک گردان را تکه چی می‌نامند.

عروسک‌هایی با همین ساختمان و حرکت و کارکرد مشابه در کردستان، ترکمن صحرا و لرستان دیده شده‌اند.

عروسک‌های نذورات

یکی از مهم‌ترین انواع عروسک‌های آئینی نذورات با نذر طعام ارتباط دارد و در میان اطعمه، نذر آش فراگیرتر است.

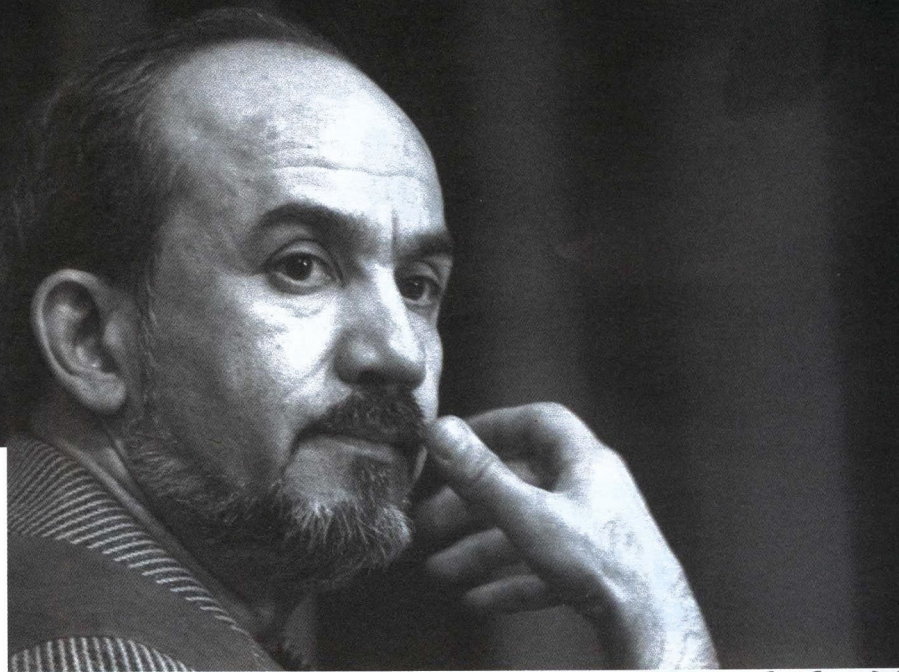
در مناطق خراسان، شیراز و اصفهان آشی به نام «ابودردا» برای رفع ناخوشی می‌پزند همراه با آن از خمیر آدمک‌هایی را می‌سازند که یکی از آنها «ابودردا» و دیگری «زن ابودردا» است. عروسک‌ها را در دیگ آش می‌اندازند تا خوب پخته شوند. پس از خرد کردن دو رکعت نماز حاجت و پس از پخته شدن آش، عروسک‌ها را از میان دیگ بیرون می‌کشند و هر یک را جداگانه در کاسه سفالین قرار می‌دهند سپس کاسه‌ها را با عروسک‌ها به آب روان می‌سپارند، آش را بین فقرا و آشنایان تقسیم می‌کنند.

در موارد دیگر مانند نذر تنقلات، نان‌های محلی و ... انواعی از شبیه عروسک یا طلسم‌های عروسک‌نما ساخته یا کشیده می‌شود که هر کدام نقش مشخصی را در اجرای آئین ایفا می‌کند. اگر چه در عصر حاضر انواع آنها بسیار محدود است اما هنوز حضور آنها از میان نرفته است.



شماره روزانه یازدهمین
شماره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - مبارک





عکس: کیان امانی

مهدی عزیزی

ایران؛ موزه بی نظیری از نمایش‌های عروسکی در خاورمیانه

گفت و گو با حمیدرضا اردلان

در استانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک با حمیدرضا اردلان - استاد دانشگاه در رشته موسیقی - به گفت و گو نشستیم. اردلان که در کنسرواتوری وین به تحصیل موسیقی پرداخته، فارغ التحصیل رشته تئاتر و دارنده دکترای پژوهش هنر است.

وی در جشنواره دوم، سوم و چهارم تئاتر عروسکی با سرپرستی گروه «جمع نمایشگران حروف» پنج اثر سنجاقک سیاه، ذبح اسماعیل، دست، بیان، بازیگر اصحاب سبت و لیلی و مجنون را روی صحنه برده است. این گروه که از موفق‌ترین گروه‌های تئاتر تجربی - پژوهشی دوران خود به حساب می‌آید آثاری چون جن گیر و سنگ مرده اثر برشت، آریا داکاپو اثر وینسنت ملی و سوگ یحیی را به کارگردانی اردلان در سال‌هایی میان ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۴ به اجرا درآورده است.

ریشه‌های نمایش عروسکی ایران به چه زمانی باز می‌گردد؟

واژه ترکیبی «نمایش عروسکی» جدید است، با این تعبیر در گذشته ما «نمایش عروسکی» یافت نمی‌شود. اما در حوزه آئین، عروسک‌های فراوانی وجود داشته و هنوز دارد، و انواع شبیه نمایش عروسکی را در سرزمین ایران با عباراتی همچون «خیمه شب بازی» و «جی جی وی جی» و... می‌شناسند.

آیاد آن دوره‌ها، این نمایش‌ها (یعنی آئین‌هایی که در آنها عروسک وجود داشت) تماشاگر هم داشت؟ و اگر داشت با آن ارتباط هم برقرار می‌کرد؟

در سؤال امر بدیهی آن است که هیچ آیین یا نمایشی بی مخاطب دوام نمی‌آورد. بدین ترتیب جواب بخش اول سؤال مثبت است و در مورد چگونگی ارتباط باید عرض کنم، آئین‌ها با مردم نسبت داشت و اساساً خود مردم مجریان آنها بودند مثلاً در کردستان آئینی هست که نام آن «بوکه بارانه» است، این آئین، برای زمان خشکسالی است و جزء آئین‌های تمنای باران به شمار می‌آید. در آن دختران نوجوان، چوبی به شکل چلیپا می‌سازند و تن او لباس می‌پوشانند. عروسک را طی مراسمی به بیرون شهر می‌برند و گرداگرد آن پای کوبی می‌کنند در آخر آن را به کنار چشمه‌ای می‌برند و در آب رها می‌کنند و دعا و نیایش باران به جای می‌آورند.

و اینها خود مردم هستند، این آئین یا نمایش (به قول معاصر) توسط اغلب

جوانان کرد و کرمانج قابل اجرا است.

نتیجه این می‌شود که مردم نسبت مستقیم با آئین‌ها به طور کلی آئین‌هایی که در آنها عروسک‌ها بودند داشتند.

عروسک‌ها به چه شکلی ساخته می‌شدند.

اول معنی آنها بود که با تعبیری میتولوژیک ساخته می‌شد و دوم صورت و فرم آنها است که هر کدام شرحی خاص دارد... در «بوکه بارانه» که مختصر مفهوم آن عرض شد هر بار بر اسکتلی چوبی که به شکل چلیپا است لباس پوشانده می‌شود، تکه‌های لباس عروسک از در هر خانه و از کسی گرفته می‌شود پس الزاماً عروسک‌ها دارای طرح کلی مشابه اما با اجزاء متفاوت خواهند بود... در نمایش «اسب چوبی» یک اسب ساخته می‌شود و بارها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چگونه باید از نمایش عروسکی سنتی حفاظت کرد تا آثار آن برای آیندگان باقی بماند؟

این سؤال را از مسؤولان محترم ارگان‌های ذی ربط پرسیدم... عقل بنده به جایی قد نمی‌دهد... چون نمی‌توان صرفاً یک موضوع را حفظ کرد ما هنگامی می‌توانیم نمایش‌های آئینی و عروسکی را حفظ کنیم که موسیقی، لباس، زبان، اخلاق، معشیت سالم، هوای پاک، معماری انسانی، عدالت و... را در نسبت با یکدیگر و به طور هم زمان و فراگیر حفظ کنیم.



نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

گزارش حضور بین‌المللی نمایش عروسکی ایران

خوشبختانه بعد از گذشت سال‌ها حالا دیگر عروسک‌های ما برای هنرمندان جهان شناخته شده‌استند. نمایش عروسکی ایران هرچند به لحاظ کمی حضور زیادی در عرصه جهانی نداشته است اما تجربه سفر گروه‌های مختلف نشان می‌دهد که حضور نمایشگران عروسکی ما حضور آبرومندانه‌ای بوده‌است. سفر گروه‌های گوناگون نه تنها در زمینه معرفی نمایش عروسکی ایران مؤثر بوده که هنرمندان ما را با مسائل دیگری مانند مدیریت نمایش عروسکی در کشورهای دیگر آشنا کرده‌است به گونه‌ای که به نظر می‌رسد با استفاده از تجربیات دیگر کشورها، می‌توانیم گام‌های سریع‌تری را در جهت نزدیک شدن به شیوه‌های ایده‌آل مدیریتی برداریم.

بهر روز غریب‌پور، دبیر «مبارک یونیم» معتقد است در بررسی تفاوت مدیریت‌ها باید تفاوت نظام‌های سیاسی و اجتماعی را در نظر بگیریم چرا که تفاوت این مدیریت‌ها است که موجب گوناگونی مدیریت امور هنری نیز می‌شود. او می‌گوید: «مدیریت تئاتر عروسکی قبل و بعد از فروپاشی شوروی، اشکال گوناگونی داشته به طوری که بعد از فروپاشی شوروی، شاهد تعدد مراکز تصمیم‌گیری هستیم به این معنا که گروه‌های عروسکی شامل گروه‌های دولتی، نیمه‌مستقل و مستقل می‌شود که هر یک از اینها برنامه‌های تولیدی خاص خود را دارند.» این کارگردان مجرب نمایش‌های عروسکی که سابقه مدیریت‌های مختلفی در این زمینه هم دارد، می‌گوید: «در اروپای غربی برخلاف اروپای شرقی، بیشتر شاهد حضور گروه‌های مستقل هستیم به طوری که تولید تئاتر عروسکی بیشتر در اختیار کمپانی‌های خصوصی است و مکان اجرای این گونه آثار دیگر ثابت نیست بلکه گروه‌ها به صورت سیار در مدارس، مهدهای کودک و... به اجرای برنامه می‌پردازند.» غریب‌پور، بهترین شیوه مدیریت تئاتر عروسکی را در تلفیق هر دو شیوه مدیریتی می‌داند: «باتلفیق شیوه اروپای شرقی و غربی می‌توانیم به شیوه مناسبی دست یابیم. در این روش گروه‌های مستقل و نیمه‌مستقل در کنار گروه‌های دولتی در مکان‌های ثابت عرضه تئاتر فعالیت می‌کنند و البته اختصاص تماشاخانه‌های ثابت برای اجرای نمایش عروسکی در کنار این شیوه‌ها، در رشد و اعتلای نمایش عروسکی ما بسیار مؤثر خواهد بود.»

زهرا صبری که با نمایش موفق «هشت لحظه» به پراگ سفر کرده است، می‌گوید: «با یک سفر نمی‌توانم نظر کلی بدهم. نگاه هنرمندان کشورهای دیگر به نمایش عروسکی ما بسیار مثبت بود و این به خاطر کارهای خوبی است که از قبل در این جشنواره اجرا شده است.» او درباره تفاوت مدیریت‌ها می‌گوید: «خیلی از امکاناتی را که ما در ایران داشتیم در پراگ نداشتیم به طوری که هر روز ۲ گروه باید در یک سالن، نمایش‌های خود را اجرا می‌کردند و این باعث می‌شد که ۲ ساعت قبل از اجرا، سالن را در اختیار بگیریم و این یکی از بزرگترین مشکلات ما بود.»

صبری که جایزه بخش معنوی جشنواره پراگ را به خاطر «هشت لحظه» دریافت کرده‌است، می‌گوید: «امکانات سالن‌های پراگ در مقایسه با ما کمتر بود. اما بعد در برخورد با گروه‌های دیگر، متوجه شدیم گروه‌هایی که از کشورهای انگلستان، روسیه، لهستان و... در جشنواره شرکت کرده بودند، بسیار مجهز بودند و تجهیزات آنها نشانگر اهمیتی بود که در آن کشورها برای تئاتر عروسکی قائل می‌شوند.»

افشین هاشمی که به‌عنوان نویسنده و بازیگر، سفرهای گوناگونی را با نمایش «هدیه جشن سالگرد» انجام داده، می‌گوید: «مشکل ما کلان‌تر از این است چون اصولاً مشکل ما مدیریت تئاتر عروسکی نیست بلکه درک نادرست از یکی از گونه‌های تئاتر است به طوری که تصور می‌شود تئاتر عروسکی یعنی

شنگول و منگول و دیگر نیازی به بودجه نیست در صورتی که تئاتر عروسکی حتی در شکل شنگول و منگول هم نیازمند بودجه مناسب است.» هاشمی که سال گذشته با همین نمایش به‌عنوان بازیگر برگزیده جشنواره پراگ انتخاب شد، می‌گوید: «مشکل ما در زمینه تئاتر عروسکی، به دلیل نگاه فرهنگی نادرستی است که به این مقوله می‌شود در حالی که تئاتر عروسکی کودکان است که می‌تواند برای ما تماشاگر حرفه‌ای تئاتر پرورش دهد و ما حتی در این زمینه هم مناسب عمل نکرده‌ایم.» هاشمی در خشان‌ترین عنصر جشنواره‌های خارجی را در برنامه‌ریزی بسیار مناسب آنها می‌داند: «امکانات پراگ یا هند خیلی زیاد نبود حتی سالن‌هایشان به اندازه تالار وحدت بزرگ نبود اما برنامه‌ریزی‌هایشان آن قدر فوق‌العاده بود که سفر بسیار لذت‌بخشی را برای ما رقم زد بنابراین ما از نظر مدیریتی خیلی اختلاف نداریم اما از آنجا که عادت کرده‌ایم مدام توی سر خودمان بزنیم، تصور می‌کنیم کشورهای دیگر خیلی برتر از ما هستند.» او همچنان معتقد است برنامه‌ریزی و آزاد اندیشی دو عنصر درخشان در تئاتر عروسکی کشور های دیگر است: «جشنواره عروسکی ما جشنواره بسیار آبرومندی خواهد بود اگر نگاه کمی نداشته باشیم و به کیفیت کارها توجه کنیم. البته نباید فراموش کنیم که مدیران نمایش عروسکی ما افراد بسیار ارزشمندی هستند.»

فهیمه میرزا حسینی هم کارگردان دیگری است که نمایش «پهلوان کچل» خود را در کشورهای مختلفی مانند ترکیه و لهستان اجرا کرده‌است. او هم مانند زهرا صبری و افشین هاشمی معتقد است مدیریت تئاتر عروسکی در ایران با دنیا خیلی متفاوت نیست: «هرچند مدیریت‌ها خیلی متفاوت نیست اما تئاتر آنها بر خلاف ما دولتی نیست. جشنواره‌های آنها توسط بخش خصوصی برگزار می‌شود و چون این سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی انجام می‌شود، نگاه آنها بسیار کیفی است.»

او معتقد است، خصوصی شدن موجب می‌شود کیفیت کارهای ما بیشتر از قبل بالا برود، بنابراین به نظر می‌رسد بیش از هر چیز دیگری نیازمند تغییر نگاه خود هستیم چرا که مشکل بزرگ تئاتر عروسکی ما نه بودجه است و نه امکانات بلکه نگاهی غیر فرهنگی و غیر تخصصی به مقوله‌ای است که اتفاقاً می‌تواند در آموزش کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر باشد و برای سال‌های سال تماشاگران حرفه‌ای برای تئاتر ما تربیت کند.



مبارک لیزری! ▶



▲ شهر فرنگ

▲ ساعت نخست



▶ مبارک در قباب



▼ گلی گلی جون



▼ لباس فروری



▶ انتظار در کافه پارکر



گفت‌وگو با مهدیه اخوان نیک کارگردان نمایش «لباس فرفری»

گفت‌وگو با مهدیه اخوان نیک کارگردان نمایش «لباس فرفری»

«لباس فرفری» که نخستین تجربه کارگردانی حرفه‌ای اخوان نیک در عرضه تئاتر عروسکی محسوب می‌شود، قبلاً در جشنواره نهم تئاتر عروسکی دانشجویان اجرا شده بود و این بار با همکاری دانشجویان هنرهای زیبا آماده اجرا در جشنواره تهران - مبارک می‌شود.

اخوان نیک که «لباس فرفری» را براساس «مثل‌ها و مثل‌های» ایرانی نوشته است، با تکنیک سیاه رومی‌زی (Top Table) اجرا می‌کند و برای ایجاد حرکت چشم و پلک عروسک‌ها، مجبور شده تا از زمان جشنواره عروسکی دانشجویی تا جشنواره تهران - مبارک عروسک‌ها را تغییر دهد و آنها را بزرگ‌تر کند و به همین تناسب مجبور شده که دکور را نیز تغییر دهد و از دو میز بزرگ استفاده کند.

وی با اشاره به حجم دکور و عروسک‌های نمایش «لباس فرفری»، گفت: «با تلاش‌های بسیار موفق شدم که از کارگاه دکور و صحنه دانشگاه استفاده کنم و زودتر از زمان جشنواره دکور کار را بسازم، در حالی که الآن با مشکل کمبود جا مواجه شده‌ام، چون دانشگاه حاضر نیست این دکورها را نگه دارد و اداره تئاتر هم مسؤلیتی در قبال نگهداری آن نمی‌پذیرد و واقعاً نمی‌دانم که با این حجم سنگین دکور چه باید بکنم.» وی ادامه داد: «در آستانه جشنواره همه گروه‌ها در تب و تاب این هستند که زودتر از امکانات کارگاه دکور تئاتر شهر استفاده کنند تا بتوانند حداقل یک روز قبل از اجرایشان با دکور تمرین کنند، در حالی که ما هم که دکورها و عروسک‌هایمان را آماده کرده‌ایم - به دلیل نبود فضای مناسب و کافی نمی‌دانیم که چه کاری انجام دهیم، در حالی که برای جشنواره دانشگاهی این مشکلات را نداشتیم و با کمبود بودجه به راحتی کار می‌کردیم.»

اخوان نیک همچنین در باره بودجه و کمک‌هزینه گروه‌ها، گفت: «با توجه به اینکه مجبور به تغییر دکور و عروسک‌های نمایش شدم، تا حدودی هزینه کارم بالا رفت. از طرفی چون تمرینات گروه‌ام از ۸ تا ۱۱ شب در اداره تئاتر بود، مجبور هستم که شب‌ها برای بعضی از اعضا آژانس بگیرم و به همین دلیل فکر می‌کنم که این کمک هزینه خیلی کفاف اجرای این نمایش را نمی‌دهد. البته نباید فراموش کرد که این بودجه نسبت به جشنواره دانشجویی خیلی بیشتر است.»

وی در پایان با اظهار نارضایتی از سالن پیشنهادی شورا برای اجرای نمایش «لباس فرفری» گفت: «ترجیح می‌دادم که در یکی از سالن‌های مجموعه تئاتر شهر و یا مولوی اجرا بروم، در حالی که سالن کانون پرورش فکری - کودکان و نوجوانان را برای این نمایش در نظر گرفته‌اند و متأسفانه توجهی به حجم کاری این نمایش نشده است. چون در این کار سه میز سه‌متری وجود دارد که مدام باید جای آنها تغییر داده شود و از طرفی حجم پشت صحنه کار هم زیاد است و امید دارم که در آینده فکر بهتری برای این کار شود.»

بر اساس مثل‌ها و مثل‌های ایرانی



پسر بچه تنبل حاضر نیست از جای خود تکان بخورد. او نمی‌خواهد از داخل تنور بیرون آید و تمام دنیا را از همان جا می‌بیند اما وقتی که بیرون می‌آید و هم‌سن و سالان خود را می‌بیند متوجه می‌شود دنیا با آنچه او می‌دیده، خیلی متفاوت است... پسر بچه سفری را آغاز می‌کند و با دیوی آشنا می‌شود و ... نمایش ۶ عروسک دستکشی دارد که با همراهی ریش و سیبل‌هایی، تمام نقش‌های آن را کامل می‌کنند.

سعید باغبانی از جمله هنرمندان همدانی است که چندین دوره پیاپی در جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی شرکت کرده است. او اما از بی‌توجهی به نمایش عروسکی در شهرستان‌ها گلّه‌مند است: «در شهرستان‌ها کار تخصصی عروسکی وجود ندارد و مثلاً در شهر ما عروسک گردان که بتواند با عروسک نخی (مارپونت) کار کند نداریم.»

باغبانی بارها در مجامع عمومی انجمن‌های نمایش عنوان کرده از اساتید همدانی که در تهران، سکونت دارند، مانند جواد ذوالفقاری، علی پاکدست و ... دعوت شود تا جلسات و کارگاه‌هایی را برای آموزش تئاتر عروسکی به هنرجویان جوان برگزار کنند اما این پیشنهاد هرگز جدی گرفته نشده است: «عروسک‌گردان‌های ما از نظر تکنیکی، مشکلات فراوانی دارند چون آموزش ندیده‌اند و هر بار ناچاریم با یک گروه مبتدی کار کنیم تا چراغ تئاتر عروسکی در شهرمان روشن بماند اما نمی‌توانم مظلومیت تئاتر عروسکی را در شهرستان‌ها فراموش کرد.»

او البته به این موضوع هم اشاره می‌کند که اجرای عمومی همین نمایش در همدان مشکلی نخواهد داشت چون این کار در جشنواره پذیرفته شده است اما از آنجا که تنها ۲ سالن تئاتر داریم، اجرای عمومی قبل از اجرای جشنواره، امکان‌پذیر نیست چون گروه‌های زیادی در انتظار هستند.

مخاطبان اصلی این نمایش نوجوانان به بالا هستند و روی مخاطب تأکیدی نشده است. ماجرای نمایش به‌خوبی نشان می‌دهد که آموزش یکی از تم‌های اصلی آن است. البته باغبانی معتقد است قرار نیست هر تئاتری، آموزش خاصی بدهد اما به هر حال بهترین شیوه برای آموزش کودکان و نوجوانان، همین شیوه عروسکی است: «چچه‌ها با عروسک بهتر می‌توانند ارتباط برقرار کنند. با استفاده از عروسک می‌توان بسیاری از مسائل را به‌طور غیر مستقیم به کودکان و نوجوانان آموزش داد. عروسک دنیای فانتزی بزرگسالان و دنیای واقعی ماست.»

گفت‌وگو با سعید باغبانی، کارگردان نمایش «دیو و کجک»

تئاتر عروسکی



نشریه روزانه یازدهمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - مبارک

گفت‌وگو با حامد ذبیحی کارگردان خیمه شب بازی «مرگ مبارک»

«مرگ مبارک» در خیمه مرشد

«مرگ مبارک» با طراحی و کارگردانی حامد ذبیحی، بعد از اتودهای کلاسی و اجرا در مراسم جشن تئاتر دانشگاهی، آماده اجرا در یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک شده است.

نخستین چیزی که در مورد این خیمه شب‌بازی، بیشتر از همه جلب توجه می‌کند اسم خاص نمایش است. «مرگ مبارک» علامت سوالی است که قبل از هر چیز ذهن مخاطب را به خود مشغول می‌کند؟

- دقیقاً همین طور است، چون نمایش «مرگ مبارک» داستان مردن مبارک سنتی خیمه شب بازی است، هر چند که مردن او با سایر مرگ‌ها تفاوت دارد یعنی مردن مبارک، مرگی از جنس تهدید است.

* این تهدید، همان هشدار همیشگی اهل فن نسبت به نابودی و فراموشی هنر خیمه شب‌بازی است؟

- به نوعی همین طور است. در واقع «مبارک» مقدس‌ترین عنصر در هنر خیمه‌شب‌بازی ایرانی است و به اعتقاد بسیاری از اساتید نباید هیچ‌گونه تغییری در آن ایجاد شود در حالی که من احساس می‌کنم، اگر «مبارک» با جامعه امروزی تطبیق پیدا کند، جذابیتی ندارد و همین مسأله باعث فراموش شدن «مبارک» و مرگ او می‌شود.

* پس شما علاوه بر هشدار نسبت به نابودی مبارک، تغییرات ساختاری هم در خیمه‌شب‌بازی خود ایجاد کرده‌اید؟

- در واقع ما مشخصه‌های اصلی نمایش خیمه‌شب‌بازی مثل تند و تیزی مبارک، لباس قرمز او، صورت سیاهش و... را گرفته‌ایم ولی آن را با یک فرم امروزی اجرا می‌کنیم و یا مثلاً تکه کلام‌های مبارک را تا حدی به روز کرده‌ایم ولی ساختار قدیمی آن را حفظ کرده‌ایم.

* بخش خیمه شب بازی را در جشنواره یازدهم به عنوان یک بخش مجزا چگونه می‌بینید؟

- نمی‌دانم که چنین تقسیم‌بندی واقعاً خوب است یا بد ولی فکر می‌کنم که خیمه شب بازی نیاز به توجه خاصی دارد و نسبت به سایر بخش‌های جشنواره باید بیشتر مورد حمایت و توجه قرار بگیرد، هر چند که به عنوان دانشجوی عروسکی فعلاً فقط قصد تجربه دارم و صرفاً روی هنر خیمه شب بازی تمرکز نمی‌کنم

* حضور گروه‌های دانشجویی را چگونه

می‌بینید؟

- به نظرم این فضا خیلی تفکیک شده نیست، به‌خصوص اینکه اکثر دانشجویان گرایش عروسکی عمدتاً به‌عنوان عروسک گردان با گروه‌های حرفه‌ای همکاری دارند و فکر می‌کنم که کیفیت آثار شرکت‌کننده، مهم‌ترین عامل در انتخاب کارها بوده، هر چند که همواره دانشجویان انگیزه بیشتری را برای کار کردن دارند و امروزه توان این را دارند که در حد حرفه‌ای کار کنند و در جشنواره حضور پیدا کنند بنابراین استانداردهای انتخاب مهم‌ترین عامل در انتخاب آثار است.

* وضعیت کمک‌هزینه گروه چگونه بود؟

- در قیاس با جشنواره دانشجویی رقم خیلی خوبی بود ولی در حالت کلی به نسبت کمک‌هزینه سایر گروه‌های غیر دانشجویی تا حدی پایین بود، در حالی که فکر می‌کنم نمایش‌های ما با سایر گروه‌ها به لحاظ هزینه و امکانات تفاوت چندانی نداشت و از طرفی ما برای ساخت دکور و عروسک هم از کارگاه‌های دانشگاه استفاده کردیم.

گفت‌وگو با مریم ضیایی، کارگردان نمایش هفتواد

عروسک‌نخی، خدای عروسک‌ها

آن تالار با هزار و یک مشکل روبه‌رو می‌شویم اما به‌هر حال چاره‌ای نیست و امیدوارم اگر نوبت اجرای عمومی گرفتیم، بتوانیم نمایش را در تالار مناسب‌تری اجرا کنیم.»

متن نمایشنامه را خودش نوشته و داستان را از شاهنامه فردوسی گرفته است. داستان درباره وجود آمدن شهر کرمان و ارگ بم است. شهر کجاران تحت حمایت اردشیر بابکان است؛ شهری که درآمد مردم آن ناشی از ریسندگی زنان آن است. هفتواد، مردی است فقیر که ۷ پسر دارد تا اینکه یک کرم برای او کار ریسندگی را انجام می‌دهد و او ثروتمند می‌شود اما به‌همان نسبت هم کرم بزرگ‌تر می‌شود تا اینکه...

این داستان گرچه یکی از زیباترین داستان‌های شاهنامه است اما در میان عام مردم چندان شناخته شده نیست؛ «یکی از داستان‌های مهجور شاهنامه است اما در میان مردم کرمان و کارنامک کاملاً شناخته شده است.

در چین هم چنین اسطوره‌ای وجود دارد که نام آن کرم طلایی است و با این داستان، کاملاً هماهنگ است.»

این نمایش هم مانند تعداد دیگری از کارهای این دوره از جشنواره، بدون کلام اجرا می‌شود و تنها بخش‌های نقالی دارد. مخاطبان نمایش را می‌توان عام فرض کرد چون نمایش تأکیدی روی هیچ‌گروه سنی خاصی ندارد.

در حالی که بسیاری از گروه‌ها، شیوه‌ی عروسکی سیاه را برای اجرای نمایش‌های‌شان انتخاب کرده‌اند، او نمایش خود را با عروسک‌های نخی اجرا می‌کند. ۲۱ عروسک اصلی نمایش به شیوه‌ی ماریونت اتریشی آماده شده‌اند. مریم ضیایی، کارگردان نمایش هفتواد می‌گوید: «کار کردن با عروسک‌های نخی بسیار مشکل است و در ایران به جز آقای غریب‌پور، کمتر کسی با این شیوه کار کرده است.»

او که عروسک نخی را خدای عروسک‌ها می‌داند، می‌گوید: «براساس تجربیم این شیوه را انتخاب کردم. این شیوه برای کار من مناسب‌تر بود چون عروسک نخی، تنها عروسکی است که حرکت آن بی‌نهایت شبیه حرکت انسان است.» عروسک‌های این نمایش در کارگاه شخصی این گروه ساخته شده‌اند. تمرینات نمایش هم در سالن شخصی همین گروه انجام می‌شود؛ سالنی که ورزشی است و بخشی از آن به این امر اختصاص یافته است؛ «نگهداری عروسک‌ها خیلی مشکل است و رفت و آمد آن‌ها خیلی خطرناک چون ممکن است عروسک‌ها به راحتی دچار آسیب‌دیدگی شوند.»

به باور او تالار فردوسی قطعاً مناسب‌ترین مکان برای اجرای این نمایش است اما چون در طول برگزاری جشنواره، نمایش رستم و سهراب در این تالار اجرا می‌شود، ضیایی ناچار است نمایش خود را در تالار هنر اجرا کند: «ما در



نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

بازی با نخیل

گذری بر
متن و اجرای
نمایش
«گلی گلی جون»
نوشته و کار
عادل بزوده

متن نمایش «گلی گلی جون» را شکل می‌دهد، روایتی که در دو بعد حرکت می‌کند تا هم به صورت نصفه و نیمه (به‌خاطر آشنایی مخاطب قصه‌علی کوچیکه) قصه‌علی کوچیکه را باز گو کند و هم برشی از زندگی گلی جون و مادر بزرگش را برای برجسته ساختن معنی خوبی ایثار بر صحنه جان ببخشد.

در بعد اجرایی نیز بزوده با استفاده بهینه از نورپردازی، تقسیم صحنه به چند بعد برای نشان دادن محیط هر روایت و جان بخشیدن به اشیاء ۵۰ دقیقه زیبا را برای مخاطب رقم می‌زند تا او سرشار از حسی شود که با حضور عروسک‌ها در صحنه و پررنگ شدن نقشه فانتزی و تخیل در روایت، جان می‌گیرد.

او به‌جای استفاده از حضور فیزیکی پدر و مادر علی کوچیکه (در صحنه مکالمه آن‌ها با پسرشان از طریق جان بخشیدن به لباس‌های آنها بر بند رختی که کنار حوض بسته شده، به دو لباس جان می‌بخشد تا در دنیای نمایش «گلی گلی جون» لباس‌ها هم جان بگیرند و به عروسک‌هایی تبدیل شوند که می‌توانند گاه هم‌راز آدمی باشند.

جان بخشیدن به لباس‌ها در دنیای این درام اما به همین جا ختم نمی‌شود، چند قدم پایین‌تر در خانه «گلی جون» هم لباس‌ها روی بند رخت مکالمه‌ای شیرین را با گلی جون آغاز می‌کنند که یکی از زیباترین لحظات اجرا را شکل می‌دهند. و همین لباس‌ها در ادامه مادر بزرگ را به سرزمین افسانه‌ها می‌برند تا او قلبش را برای بازگشت نوه‌اش به دنیای زندگی، گرو بگذارد. با تمام این حرف‌ها بزوده در حیطه متن و اجرا به خوبی از پی تلفیق این دو روایت (قصه‌علی کوچیکه و قصه‌گلی گلی جون) بر می‌آید تا ۵۰ دقیقه ذهن مخاطب را در نوسان بین این دو روایت نگاه دارد.

نوسانی که گاه در فضا‌های تاریک بین صحنه‌ها به مکاشفه‌ای زیبا هم می‌تواند برسد.

گلی جون می‌نشیند، تا از این به بعد، هر شب به ستاره‌ها چشم بدوزد تا از مادر بزرگش برایش خبری بیاورند. چند قدم آن طرف‌تر علی کوچیکه روی یک سکو که محیط زندگی و روایت او را از محیط زندگی و روایت گلی جون جدا می‌کند، توی حوض می‌افتد تا نمایش «گلی گلی جون» به پایان برسد، پایانی که می‌تواند آغازی باشد برای اندیشیدن در باره اجرایی که در اولین روز جشنواره یازدهم نمایش‌های عروسکی به مدت ۵۰ دقیقه در تالار چهار سوی مجموعه تئاتر شهر به صحنه رفت.

نمایش «گلی گلی جون» اگر چه با حضور علی کوچیکه بر صحنه آغاز می‌شود. اما در ادامه حضور علی کوچیکه و روایت آشنای زندگی او بهانه‌ای می‌شود تا بزوده در کنار آن بتواند روایت نمایشی دیگری را پیش برد. روایتی که اگر چه در ادامه کل فضای صحنه را از آن خود می‌کند، اما همچنان موازی با روایت علی کوچیکه پیش می‌رود تا در پایان پس از خیره شدن گلی جون به ستاره‌ها، علی کوچیکه هم پشت سر او در حوض بیفتد. تا مخاطب یادش نرود که روایت گلی جون بر بستر روایت آشنای علی کوچیکه شکل گرفته. اما با یک تفاوت اساسی در روایت زندگی گلی جون مادر بزرگ با از خودگذشتگی قلبش را به پری که در سرزمین افسانه‌ها توی حوض با علی کوچیکه آشنا شده، می‌بخشد تا گلی جون را نجات دهد، خودش به دنیای افسانه می‌رود (شاید کنایه از مرگ تا گلی جون به سرزمین واقعیت بازگردد، ایثار مادر بزرگ برای نجات نوه‌اش تفاوت روایت گلی جون با روایت علی کوچیکه را رقم می‌زند.

اما اصلاً چرا پای علی کوچیکه به دنیای زندگی گلی جون باز می‌شود. مادر بزرگ گلی جون، قصه گو است، از آن مادر بزرگ‌هایی که یک دنیا قصه و افسانه برای نوه‌ها و دخترهایشان تعریف می‌کنند. مادر گلی جون عاشق قصه‌علی کوچیکه بوده و گلی جون هم مثل مادرش عاشق این قصه است، مادر بزرگ

برای نوه داستان علی کوچیکه را باز هم تعریف می‌کند، اما در ادامه یاد می‌گیرد و مادر گلی جون را به حیاط می‌فرستد تا رخت‌ها را از روی طناب جمع کند، داستان نیمه‌تمام می‌ماند تا گلی جون پس از برگشتن از حیاط دنبال صداها راهی سرزمین افسانه‌ها شود و آن جا گول موجودی افسانه‌ای (پری دریایی) را بخورد و توی حوض بیفتد. رخت‌های روی بند مادر بزرگ را به سرزمین افسانه‌ها می‌برند تا او قلبش را گرو بگذارد و نوه‌اش را نجات بدهد. به‌طوری که در بالا آمد، پیرنگ



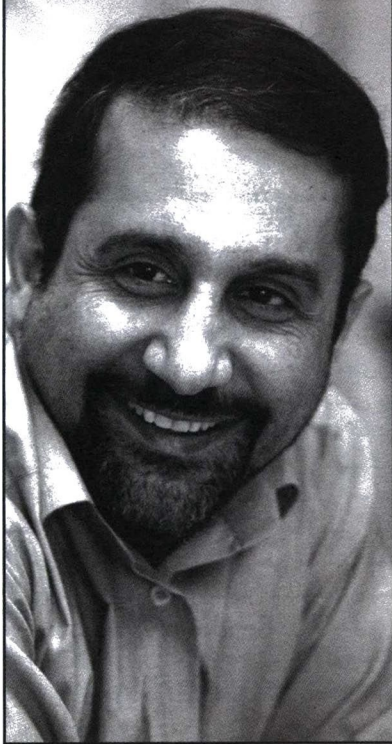
انتظار در کافه پارکر

اما به محض این که اجرای عروسکی موازی با اجرای زنده شکل می‌گیرد، لایه‌های داستانی یکی‌یکی شکافته می‌شوند و داستان مرحله به مرحله، رنگ و بو می‌گیرد و هستی خود را پیدا می‌کند. داستان این نمایش عروسکی به ماجرای زندگی «بیلی لومان» دستفروش می‌پردازد که حاصل زندگی او فروپاشی خانواده، فقر، بی‌پولی، روزمرگی و در نهایت مرگ است. با این حال حضور نمادین شخصیت عروسکی «لومان» و تأثیری که او بر ذهن و ناخود آگاه می‌گذارد، مرگ سهمناک دستفروش را در پایان نمایشنامه کم‌رنگ جلوه داده است و این امر یک چیز را به ذهن متبادر می‌سازد؛ گویی دستفروش عروسکی نمی‌میرد.

بنابراین کارگردان، اجرای عروسکی را زیر ساخت اجرای زنده قرار می‌دهد؛ در حالی که برادران لومان در یک کافه واقعی و رئالیستی نشسته‌اند و درباره پدرشان بحث می‌کنند، همواره یک روایت، فضای عینی کافه را نیز به گذشته بر می‌گرداند و روح شخصیت عروسکی بیلی و برادرش را در سال‌های دور به قلمرو کافه می‌کشاند. به لحاظ تکنیکی نیز عروسک‌ها با اجرای سیاه رومیزی، به‌شیرین کاری می‌پردازند و این امر به‌عنوان هماهنگی تکنیک و محتوا ربط دارد. اصولاً اجرای عروسکی در این نمایش، جریانی را پیش می‌برد؛ جریانی ذهنی که با استفاده از تکنیک فلاش‌بک و روایت بریده بریده از گذشته سود می‌برد. بنابراین چالش‌های اساسی متن از جمله، خاطرات، نوستالژی و روایت سیاه و سفید گذشته در اجرای عروسکی موج می‌زند و پروسه‌ای از ریزه‌کاری‌های متن، رویدادها، نکات کلیدی و در کل نمایش را با اجرای عروسکی گره می‌زند. حتی عواملی از قبیل نور هم بیش از صحنه‌های زنده در خدمت اجرای عروسکی هستند. تضاد دو نور پردازی قرمز و آبی، از این امر حکایت دارد. هنگامی که «لومان» در اتاق هتل به خیانت می‌پردازد، نور پردازی قرمز است و این امر از حرارت این انسان و عصیان او خبر می‌دهد اما هنگامی که در بی‌پولی محض به سراغ دوستش می‌رود، با نور پردازی آبی روبرو می‌شویم و این امر به نوعی سردی و کرختی خاص اشاره می‌کند با تمام این تفاسیر، ساخت عروسک‌ها، نحوه اجرا، عروسک گردانی و سایر عوامل نمایش، در حدی قابل قبول هستند و در بازتاب پیام، نمادها و گفتمان نهایی نمایش موفق عمل می‌کنند.

نمایش عروسکی «انتظار در کافه پارکر» به کارگردانی حسین زینالی و مرتضی سعیدیان، اگر چه به لحاظ جابه‌جایی ژانریک، مانند آیین‌های تمام نما نیست اما در بسیاری از مولفه‌ساختاری متن این جابه‌جایی ژانریک بردوش اجرای عروسکی است و در واقع، عروسک‌ها، گوشه‌ای از ذهنیت و جریان سترگ «آرتور میلر» را با خود به دنیای خود برده‌اند. این نمایش بر اساس شاهکار عظیم «مرگ دستفروش» سنگ‌های زیربنایی خود را بنیان می‌گذارد. بی شک جابه‌جایی محض این نمایشنامه عظیم در ژانر عروسکی تا حدودی مشکل به نظر می‌رسد و به همین دلیل، نمایش ترکیبی از دو اجرای زنده و عروسکی است. بر همین اساس؛ طراحی صحنه نیز از دو گفتمان متفاوت بر خوردار است. گفتمان اول، بر اساس شکل ساده و رئالیستی یک نمایش صحنه‌ای زنده بنا بر بافت کافه‌های آمریکای شمالی طراحی شده‌است و بیش از هر چیزی با بازی بازیگران و روایت زمانمند آنها در هارمونی و هماهنگی کامل است. اما طراحی صحنه دوم به اجرای عروسکی ربط دارد و درست در گوشه چپ صحنه، نماد عروسک زن روی ماه قرار دارد و از تاویلی یونگ وار خبر می‌دهد. این امر به لحاظ نشانه‌شناسی نمایشی در کلیتی فراگیر به تقدم اجرای عروسکی برزنده اشاره دارد. اما از سوی دیگر بازتاب صدای متن نیز به شمار می‌رود. چرا که در گوشه‌ای از اجرای عروسکی، دستفروش در زندگی‌اش مرتکب خیانت شده است و گویی جواب نمادین عروسک‌ها به خیانت عینی آدم‌ها با نماد و رازگانی ذهنی است. طوری که فرد مورد خیانت قرار گرفته، را به شکل اثیری و بر فراز ماه ترسیم کرده است. اجرای عروسکی بر پایه چنین ساختاری حرکت محوری خود را پی می‌گیرد و این حرکت در شکل روایت به اوج می‌رسد. در نمایش «انتظار در کافه پارکر» سهم زیادی از نمایش بر عهده عروسک‌هاست و این سهم از شیوه جریان سیال ذهنی ناشی می‌شود که همواره هستی و لایه‌های داستانی را با عروسک‌ها درگیر می‌کند و به تعبیری، آن چه که اجرای زنده به چشم می‌آید، دیالوگ‌های دو بازیگر است که در فضا، زمان و یک بستر زمانی کنونی حضور دارند و صرفاً روایتی زمانمند و شرح حالی ساده را ارائه می‌دهند. بنابراین تا زمانی که حضور پویا و هدفمند عروسک‌ها در نمایش به‌وقوع نمی‌پیوندد، داستان همواره گنگ می‌ماند.





An interview with Hossein Parsayee director
general of Dramatic Arts Center

GOOD NEWS OF FOR THE PUPPETRY AND MARIONETTE PERFORMERS

Mr. Parsayee leaves the secretariat to a council of artists to run the 11th International Puppet Theater Festival. He is very open minded. He has some good news for puppetry people

Mr. Hossein Parsayee !
What a bell rings a puppet for you?

A tiny hand made colleague for human being, representing some parts of man.

Now look at it through director general of Dramatic Arts. What do you have in mind for promoting puppet and puppetry?

A. I am not very far from the world of puppets and puppetry. I see it as a creative dynamic art and very effective one. It seems quiet natural to hold a new position for establishment of Puppetry Theater Club. It is proposed to have a public performance of the puppet shows and conducting workshops in 2007.

After each festival there are some plans to conduct the festival annually. But it is biennale yet. Do you think that it will remain the same, or you predict it becomes annually at last?

A- The lack of financial resources although is important but it can not be a major hindrance for development and promotion of our movement. Especially in the field of creative arts such as puppet theater and marionette

that needs time to improve. We must watch out the achievement and the enterprise of the puppet theater. Festivals are not all in all. The achievement should be reconsidered. We can have it in national level and feast. After one year it can be promoted and improved. But for international we must take our time.

How comes the executive council for the festival?

A- This is a collective decision of the Puppet theater in Dramatic Art Center. The decision makers chaired a council to cover all tastes and approaches in the field. They carry out all duties and functions of the secretary of festival. Their decision is accepted and ratified. All of them are our dignified colleagues. I hope this will improve the festival and its achievements meeting our ends.

What do you have in international sector?

In the 11th festival we received 100 applications. The text will be examined in order to take into consideration the performance possibility, diversity and techniques in selection committee. The participants complain about the lack of work shops for mak-

ing puppets or the short deadline.

A- Group work in a council differs in nature. It is quit different, but I hope we meet the enquiries of our artist colleagues.

What about the coming festivals?

A- It is up to managers and decision makers. Our experience in this festival will be decisive one for the 12th festival.

Eventually what is the good news of Hossein Parsayee director general of Dramatic Arts Center for the puppetry and marionette performers?

A- We have ignored the puppetry in the recent years. We will come to a balance at most. It is decided to compensate in several points in 2007.

- 1- Providing a performance hall for puppet shows
- 2- Financial assistance upon contracts.
- 3- Work sops for making puppets.
- 4- Improving the puppet theater and upgrading till the global standards.

The end are not achieved, unless cooperation of all troupes and artists.

An interview with Javad Zolfaghari Vice–secretary of the Festival

INNOVATION AND DIVERSITY IS THE VERY FIRST REASON FOR ACCEPTANCE!

Javad Zolfaghari is a known figure in the circle of puppetry performers and specially the students of this course. His participation in the ceremonies and festivals is good news for surprises original innovations. He is back again after two years .He is in position of vice –Secretary of 11th Tehran International Puppet Theater Festival. One of the main characteristic of the 11th festival that is running by a council of skilled and professionals in the field of puppetry.

What is your assessment of the process in the threshold of the opening of the festival?

Naturally, it is the request of puppetry society, although Mr. Parsayee emphasized at the very beginning on the process of leaving the administration to a council of experts. The decision making council was formed. Mr.Behrooz Gharibpoor, Majid Sarsangee, Morteza Heidari, Hamid Jebeli, me and Ms. Homa Jedikar are the members. Quite naturally we negotiated with the professionals to improve our job. In the beginning we decoded about the worked and workshops and revision of .the division of the responsibilities had a very positive effects .We tried our best to decide on the pieces based on the precision painstakingly. The results are satisfying.

What is the reason to include puppetry beside the street plays and stage ones? Why so many diversity?

We must take it into consideration that we are living in Iran and we must understand that puppetry is one of our traditional shows. Our approach to puppetry is not a static kind. We have chosen the dynamic one. The new ones and innovated. Since the council decide on the text we have invited all puppet performers .All of our colleagues were invited.

Some of the student work was performed in the student puppet theater festival for a limited audience. On this occasion they perform for a larger audience. Have you noticed any difference and improvement? How about the necessity of changes?

In my opinion the works must be compared in both festivals. I think here are many changes, the troupes are aware about their new role in an international festival so they act with more commitment to improve their works.

What was your measure for choosing the works in international sector?

It was same as our measure for Iranian works with

some slight differences .We received some works that they were not any new achievements for us we ignored them. The most important factor was special features in the new methods. Diversity was important for us. That s why we decided to have many kinds of plays in various techniques, themes and performance in order to meet the ends of all tastes. The selected groups are satisfying. We have a troupe from the Netherlands a very famous professional one. The other is from Poland performing by handkerchief. The diversity helps us finding different methods in Puppet Theater; On the other hand we tried to find eminent works of the world.

How did you choose the international plays in age groups?

There are a lot of works .A work from Poland for the children and others adults .There is also a street theater.

Have you the criteria of adaptation of fables and fairy tales in the International sector as well?

No as far as our own culture revival was an end for ourselves, we have not traditional and ritual plays from other countries.

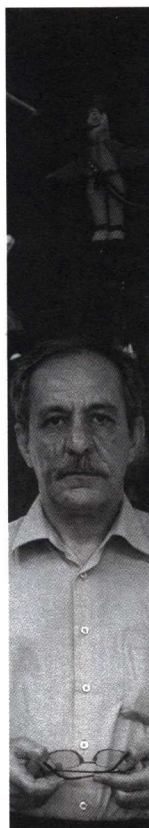
How about the workshops .There is some cases of puppet performers not very active in Puppet Theater for a long time?

The final result and out come matter.Mr.Pesiani's troupe is not known for puppet theater but they are exceptional case in running the workshop. He is very workshop minded .The participants are about 20 for a better results.

What about the international workshops?

The participant troupes have some performance during the festival and after the performance conduct a workshop separately.

Brazilian Royterati talks about the oppressed people theater and Augusto Boal,He is an exceptional figure in puppetry and committed art of oppressed people.Masima Schuster the secretary general of Unima lectures about the present Iranian puppet theater and conduct a seminar.





2

4Sep
2006

Daily Bulletin of The 11th Tehran International Puppet Theater Festival – Mobarak



بابابزرگ و تَرَب
کارگردان: بهروز غریب پور
اجرا: ۱۳۶۵